

## مطالعه تطبیقی الگوی سفر قهرمان مردانه کمپیل با الگوی سفر قهرمان زنانه مورد اک در انیمیشن‌های مرد عنکبوتی و شجاع

پیام زین العابدینی<sup>۱\*</sup>، فاطمه جاذبی<sup>۲</sup>

۱\* دکتری پژوهش هنر دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد انیمیشن، دانشگاه سوره تهران، ایران.

[تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴]

### چکیده

فیلم‌سازان سال‌هاست تحت تأثیر الگوی کمپیل سفر قهرمان مردانه و زنانه را به صورتی یکسان تصور کرده و بر پرده‌ی سینما به نمایش گذارده‌اند. اگرچه بخش اعظم سفر برای تمام انسان‌ها یکسان است و ما در بسیاری از واقعیات تولد، رشد و مرگ شریکیم، دارای نیازهای جسمانی و روانی متفاوتی هستیم. ساختار اسطوره‌ایی که کمپیل در کتاب «قهرمان هزار چهره» نگاشته روش کلاسیک و رسمی است که فیلم‌نامه‌نویسان و محققان رشته‌های ادبیات، روان‌شناسی، اسطوره‌شناسی، سینما و انیمیشن را متأثر ساخته است. مورد اک از شاگردان کمپیل در کتاب «ژرفای زن بودن» ساختار متفاوت‌تری را برای سفر قهرمان زنانه تبیین کرده که به امیال و نیازهای زنانه توجه دارد. این پژوهش با هدفی کاربردی دو الگوی سفر قهرمان مردانه کمپیل و زنانه مورد اک را مورد تطبیق قرار داده است. روش تحقیق کیفی و به شیوه مطالعه تطبیقی است، از این روی برای آشکار شدن تفاوت‌ها و شباهت‌های قهرمان مرد و زن بر اساس نظریه‌های مطرح شده، انیمیشن‌های «شجاع» و «مرد عنکبوتی» به عنوان مورد مطالعاتی و به صورت انتخاب هدف‌مند گزینش و تحلیل شده است. نتیجه نشان از آن دارد سفر قهرمان مردانه به صورت خطی یا دایره است در صورتی که سفر زنانه به شکل چرخشی یا مارپیچ به داخل و خارج است.

### واژه‌های کلیدی

اسطوره، کهن‌الگو، سفر قهرمان مردانه، سفر قهرمان زنانه، کمپیل، مورد اک.

## مقدمه

دارد. این پژوهش با درک اهمیت و ضرورت پرداختن به نقش قهرمان در هنرهای نمایشی، تلاش دارد در شناخت الگوهای متفاوت سفر قهرمان راهنمایی برای تولیدات ملی باشد. از این روی، مساله اصلی پژوهش حاضر آشکارسازی تفاوت‌ها و شباهت‌های قهرمان مرد و زن بر اساس نظریه‌های مطرح شده‌است و برای تبیین آن‌ها، انیمیشن‌های «شجاع» و «مرد عنکبوتی» به‌عنوان مورد مطالعاتی و به‌صورت انتخاب هدفمند گزینش شده و کاربرد الگوها در دو انیمیشن مورد مذاقه و تحلیل و تطبیق قرار گرفته‌است.

## روش پژوهش

روش تحقیق حاضر کیفی و به شیوه مطالعه تطبیقی، و رویکرد بر مبنای دانش تحلیلی نقد اسطوره‌ای است که به‌صورت مطالعه موردی صورت می‌گیرد. «پژوهشگر به هنگام ارائه موضوع تحقیق کیفی باید نخست مخاطبان خود را (کسانی که این تحقیق برای آنان اهمیت دارد) در نظر آورد، سپس موضوع تحقیق را با توجه به يك مساله کلی یا پرسش‌هایی که درصدد پاسخ به آنهاست، تنظیم کند. بدیهی است که این مساله کلی همان پرسش‌های خاص تحقیق، فرضیه‌هایی که باید آزمود یا فرضیه‌های اثبات نشده، نخواهد بود. بیان مساله تحقیق کیفی می‌تواند به صورت يك بحث کلی از معما، مساله‌ای کشف نشده یا گروهی باشد که باید مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد. پس از مرور ادبیات که اغلب شامل چندین مجموعه از ادبیات می‌شود، می‌توان مساله تحقیق را به صورتی دقیق بیان کرد» (مارشال و راسمن، ۱۸۳۱: ۲۵). یکی از راه‌های خوانش، کشف و دریافت معنای متن چه در حوزه ادبیات داستانی و چه در سایر رسانه‌های داستان‌گو و از جمله سینما، نقد اسطوره‌ای یا نقد کهن‌الگویی است. نقد اسطوره‌ای رویکردی تلفیقی و میان‌رشته‌ای است که بر ترکیب رهیافت‌های علمی مانند انسان‌شناسی، تاریخ ادیان، دین‌شناسی تطبیقی و روان‌شناسی بنیان نهاده شده است (نقاش‌زاده و مختاباد، ۴۹۳۱: ۸۶). در این روش، منتقد با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، عناصر بنیادین فرهنگی یا بن‌مایه‌های موجود در متن را به نمونه‌ی ازلی یا زیرساخت‌های کهن‌الگویی اثر تأویل و تحویل می‌نماید. بنیادهای رویکرد خوانش و نقد اسطوره‌ای بر نظریه ناخودآگاه جمعی یونگ و نقش آن در انتقال و

سفر به معنای حرکت از نقطه یا مبدایی معلوم و طی کردن مراحل به منظور رسیدن به مقصدی مجهول است. سفر قهرمان در افسانه‌ها و داستان‌ها ظاهراً سفری بیرونی به‌نظر می‌آید، اما در حقیقت بیان‌گر سفری درونی و روانی است که قهرمان با جست‌وجو در جهان درونی خود در پی یافتن هویت خویش، روبه‌رو شدن با بخش‌های مختلف نفس خود و رسیدن به کمال است. نمایش قهرمان و قهرمان‌سازی کارکردهای فراوانی دارد. تماشاگران از جمله مخاطبان کودک و نوجوان متأثر از قهرمان‌ها هستند و در رفتارهای اجتماعی‌شان از آن‌ها تبعیت و الگوبرداری می‌کنند. بدین‌سان سینما و انیمیشن معاصر در جهان با درک چنین موضوعی بسیاری از مضامین و قصه‌های خود را بر این مبنا طراحی و تولید می‌کند. الگوی سفر قهرمان برای نخستین بار توسط جوزف کمپبل<sup>۱</sup>، اسطوره‌شناس آمریکایی معرفی شد و به‌عنوان روشی است که در ساختار بسیاری از فیلم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این وجود به‌نظر می‌رسد الگوی کمپبل مختص قهرمان مرد بوده و پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های سفر قهرمانی زن را پوشش نمی‌دهد. بدین منظور مورین مورداک<sup>۲</sup> روان‌کاو آمریکایی و شاگرد کمپبل در کتاب خود «سفر قهرمان زنانه»<sup>۳</sup> که در ایران با عنوان «زرفای زن بودن» به چاپ رسیده، الگویی را مختص قهرمان زن پیشنهاد داده‌است. در واقع، ساختار اسطوره‌ای که کمپبل در کتاب «قهرمان هزار چهره»<sup>۴</sup> نگاشته است، روشی است که فیلم‌نامه‌نویسان و محققان رشته‌های ادبیات، اسطوره‌شناسی، سینما و انیمیشن را متأثر ساخته‌است.

مورین مورداک از شاگردان کمپبل، در کتاب خود با عنوان «سفر قهرمان زنانه» که در ایران به نام «زرفای زن بودن» به چاپ رسیده‌است ساختار جدید و متفاوت‌تری را برای سفر قهرمان زنانه تبیین کرده است که به امیال، نیازها و دغدغه‌های زنانه توجه دارد. با این‌که برای سفر قهرمان الگوهای مختلفی در نظر گرفته شده، نگارنده در این پژوهش از الگوی سفر قهرمانی جوزف کمپبل برای سفر قهرمانی مردانه و از الگوی مورین مورداک برای سفر قهرمانی زنانه بهره گرفته‌است. سینما و انیمیشن ایران از به تصویر کشیدن قهرمان‌های ملی غافل است و حجم بسیاری از تولیداتش به ژانرهای اجتماعی و تاریخی گرایش

### پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان داد تحقیق‌های مرتبط با نزدیک به عنوان مقاله حاضر را محدود و اندک است. پیشینه‌های مرتبط با نزدیک را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

بهروز محمودی بختیاری و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «سفر قهرمان مونث در سه فیلمنامه از بهرام بیضایی: مطالعه تطبیقی سه فیلمنامه سگ کشی، اشغال و حقایق درباره لیلاد دختر ادریس در چارچوب نظریه مورین مرداک» که در نشریه «زن در فرهنگ و هنر» منتشر شده است، با مطالعه سیر رخدادها در این سه فیلمنامه، به بررسی تطبیقی سیر تحول شخصیتی زنان با الگوی سفر قهرمان مؤنث مورد اک می‌پردازند.

اکبر کشتکار و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه مؤلفه‌های خلق قهرمان نوجوان در فیلمنامه بر اساس الگوی سفر قهرمان با در نظر گرفتن فرهنگ و هویت ایرانی (بررسی موردی: فیلم‌های کودکی ایوان و کودک و فرشته)» که در فصلنامه «پژوهش‌های ارتباطی» به چاپ رسیده است، با ارائه و بررسی مراحل سفر قهرمان نوجوان با استفاده از الگوی سفر قهرمانی ووگلر، نشان می‌دهند که فیلمنامه‌نویسان چگونه می‌توانند با بهره‌گیری از این مراحل، قهرمان نوجوان خلق کنند.

محمد جعفر یاحقی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوهای سفر قهرمانی از نگاه پسیوانگی و کاربرد آن در تحلیل متون ادبی» که در فصلنامه «پژوهش‌های ارتباطی» به چاپ رسیده است، از متون متنوعی مثل افسانه‌ها و رمان‌های معاصر برای نشان دادن انطباق آن‌ها با این الگو بهره برده‌اند.

نجم‌الدین امیرشاه‌کرمی و شهرزاد امیرشاه‌کرمی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی کهن‌الگوی سفر قهرمان در آثار مجید مجیدی بر اساس آرای جوزف کمپبل و عرفان اسلامی با تمرکز بر آثار بدوک، خدا می‌آید، پدر، بچه‌های آسمان، رنگ خدا، باران، بید مجنون و آواز گنجشک‌ها» که در فصلنامه «ادبیات نمایشی و هنرهای تجسمی» به چاپ رسیده است، به مرور آثار سینمایی مجید مجیدی و تحلیل آن‌ها بر اساس کهن‌الگوی سفر قهرمانی کمپبل و عرفان

بازنمایی کهن‌الگوهای مشترک انسانی بنا شده است. به این ترتیب، یونگ به رابطه و پیوندی بسیار نزدیک میان رؤیاهای اساطیر و هنر قائل است؛ زیرا این هر سه ابزارهایی برای بازنمایی کهن‌الگوها در حیطه‌ی ناخودآگاه جمعی به شمار می‌روند (گورین، ویلینگهیم، لیبر و دیگران، ۱۳۷۰: ۱۹۴). اما متفکران دیگری نیز رویکرد نقد اسطوره‌ای را توسعه داده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها نورتروپ فرای است. فرای در مهم‌ترین اثر خود تحلیل نقد اسطوره را به لحاظ روایی، تقلیدی از آرزوهای انسان می‌داند. به زعم وی: معنا یا الگوی متن، عبارت از ساختار تصاویری است که دلالت‌های مفهومی دارد. دنیای تصاویر اسطوره‌ای معمولاً با مفهوم آسمان یا بهشت مذهب عرضه می‌شود و مکاشفه‌ای است؛ این دنیا استعاره‌ی تام و تمام است (فرای، ۱۳۷۷: ۱۶۵). از نظر فرای نظم و انتظام اسطوره و سمبول آرکه‌تایپی بر سه گونه است: نخست، اسطوره نامتبدل و جابه‌جانشده را داریم که معمولاً مربوط به ایزدان یا دیوان است و صورت دو دنیای متقابلی را به خود می‌گیرد که همتایی استعاره‌ی صد درصد بر آن‌ها حاکم است و یکی از این دو دنیا دل‌پسند و دیگری نادل‌پسند است. این دو دنیا را اغلب با بهشت و دوزخ وجودی مذاهب هم‌زمان با چنین ادبیاتی هم‌سان می‌شمارند. ما این دو صورت از نظام استعاره‌ی را به ترتیب بهشتی (مکاشفه‌ای) و دوزخی می‌نامیم. دوم، همان گرایش کلی را داریم که نام رمانسی به آن داده‌ایم و چیزی که از آن افاده می‌شود، الگوهای اسطوره‌ای مستتر در دنیایی است که با تجربه‌ی انسانی ارتباط نزدیک‌تری دارد. سوم، گرایش «رئالیسم» را داریم (بیزاری من از این اصطلاح نامناسب در گیومه جلوه یافته است). در رئالیسم به جای این که تاکید بر شکل داستان بگذارند، بر محتوا و راست‌نمایی تاکید می‌کنند (فرای، ۱۳۹۱: ۱۶۹). نقد اسطوره‌ای در بنیان خود، بازخوانی کهن‌الگوها در روایت اسطوره‌ای است. به همین دلیل، کهن‌الگوها، در روان‌شناسی یونگ و نظریه‌ی فرای مفاهیمی بنیادین‌اند و نمادی مشترک قلمداد می‌شوند. برای یونگ، کهن‌الگو یک نماد مشترک انسانی است؛ حال آن که نزد فرای، کهن‌الگو نمادی مشترک برای کسانی است که در یک فرهنگ خاص قرار دارند (نقاش‌زاده و مختاباد، ۱۳۹۴: ۶۸). در این پژوهش سعی شد دو الگوی ساختار اسطوره‌ای کمپبل بر اساس مطالعه تطبیقی مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد.

جدول (۱). الگوی سفر قهرمان مردانه از نظر جوزف کمپبل

بخش سوم بازگشت	بخش دوم آیین تشریف	بخش اول عزیمت
۱۲. امتناع از بازگشت	۶. جاده ی آزمون ها	۱. دعوت به آغاز سفر
۱۳. فرار جادویی	۷. ملاقات با خدایانو	۲. رد دعوت
۱۴. دست نجات از خارج	۸. زن در نقش وسوسه گر	۳. امدادهای غیبی
۱۵. عبور از آستان بازگشت	۹. آشتی و یگانگی با پدر	۴. عبور از نخستین آستان
۱۶. ارباب دو جهان	۱۰. خدایگان	۵. شکم نهنگ
۱۷. آزاد و رها در زندگی	۱۱. برکت نهایی	

اصلی قهرمان را به عنوان نماد خود و سیر ماجراهای او را به عنوان نماد زندگی در نظر گرفته است (Indick, 2004).

نخستین بار کمپبل بود که در دهه ۱۹۴۰ به اصول و میانی اسطوره‌ای و کهن‌الگویی جاری در تمام داستان‌ها، حماسه‌ها و افسانه‌ها اشاره کرد. کتاب «قهرمان هزار چهره» او در واقع شناسایی این الگوهاست. کمپبل زبانی معیار را خلق کرد که ساختار کهن‌الگویی پنهان این سنت‌های روایی را آشکار می‌کند، و در عین حال برای پیوند زدن این ساختارها و سنت‌های مختلف بسیار کارآمد است؛ الگویی که قادر است ژرف ساخت اسطوره‌ای مشترک میان حماسه‌های ایرانی، افسانه‌های اسکانندیناویایی، اپرای آلمانی، تراژدی‌های یونانی و حتی علمی-تخیلی‌های آمریکایی را شناسایی کند (ووگلر، ۱۳۹۴: ۵). داستان سفر قهرمان اگر چه از یک سو ماجرای مهم در جریان زندگی و تلاش برای دستیابی به هدفی ملموس است، در اصل نوعی فرایند تکامل انسانی و تعالی معنوی است. قهرمان در این سفر اسطوره‌ای می‌آموزد که چگونه باید راه قهرمانی را طی کند و برای قهرمان بودن از نیازهای فردی خویش فراتر رود. کمپبل معتقد است، سفرهای همه قهرمانان اسطوره‌ای، دارای مراحل مشابه و یکسان هستند و از عناصر ساختاری مشترکی بهره می‌برند (کمپبل، ۱۳۸۸: ۲۰۶). از نظر ووگلر<sup>۱</sup> سفر قهرمان، الگویی جهانی است که در هر فرهنگی و در هر زمانی اتفاق می‌افتد. این الگو همان تنوع نامحدودی را دارد که نژاد انسان داراست و با

اسلامی پرداخته‌اند.

مریم اسمعیلی‌پور (۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان «سفر قهرمانی مؤنث در رمان عادت می‌کنیم زویا پیرزاد بر اساس نظریه مورین مرداک»، در فصلنامه «ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی»، رمان زویا پیرزاد را بر اساس مراحل مختلف الگوی مرداک بررسی کرده‌است.

### ادبیات پژوهش

با وجود این که مطالعات بسیاری درباره کهن‌الگوی قهرمان، اعم از فلسفی تا روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی صورت گرفته، اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین نظریه‌های مربوط به این موضوع، مدل‌های اتو رانک<sup>۲</sup>، لرد راگلان<sup>۳</sup> و جوزف کمپبل است. هر یک از این نظریه‌پردازان، الگویی متمایز برای تبیین و تحلیل ساختار اسطوره قهرمان ترسیم کرده‌اند. الگوی اتو رانک که تحت تاثیر نظریه فروید قرار دارد، بیش‌تر بر تولد قهرمان متمرکز شده‌است. الگوی لرد راگلان، کاملاً تحت تاثیر دیدگاه جیمز فریزر<sup>۴</sup> است که اسطوره را به عنوان نمایش نام‌های برای آیین‌های مذهبی تلقی می‌کند. مدل راگلان بیش‌تر روی مراحل بعدی سفر قهرمان، سقوط و مرگ قهرمان تمرکز می‌کند. مرحله‌ای که طی آن قهرمان به صورت آیینی از فرم شخص زنده به افسانه نامیرا تبدیل می‌شود. مدل جوزف کمپبل در حالی که تحت تاثیر فروید، رنک و فریزر قرار دارد، به‌طور واضحی از مدل کهن‌الگوی یونگ ساختار یافته‌است. مطابق با روان‌شناسی یونگی، نقش



نمودار (۱). چرخه سفر قهرمانی زن (مورد اک، ۱۳۹۶: ۲۹)

همانندسازی با بخش مردانه، روبه‌رو شدن با دشواری‌های این سفر و کسب موفقیت، بار دیگر نیازمند بازگشت به بخش زنانه خود است و بالاخره به یک پارچه کردن بخش زنانه و مردانه یعنی آنیما و آنیموس خود می‌پردازد، دوگانگی را پشت سر گذاشته و به تمام وجود خود دست می‌یابد (مورد اک، ۱۳۹۶: ۱۲).

### مبانی نظری پژوهش

#### مراحل سفر قهرمانی بر اساس الگوی کمپبل

با وجود تنوع نامحدودی که داستان قهرمان دارد، در اساس همواره یک سفر است. قهرمان با ترک زندگی روزمره خود به جهان ماجرا که دنیایی پرمخاطره و ناآشنا برای قهرمان است، وارد می‌شود. این سفر می‌تواند سفری بیرونی مانند یک جنگل، شهری عجیب یا مکانی تازه باشد یا یک سفر درونی به قلب، ذهن یا روح او باشد. در این سفر قهرمان دچار تحول می‌شود، رشد می‌کند و از یک نوع زندگی به نوعی دیگر سفر می‌کند: از یاس به امید، از ضعف به قوت، از نادانی به خردمندی، از عشق به نفرت، و بالعکس (ووگلر، ۱۳۹۴: ۳۸). قهرمان در نخستین بخش

وجود این، فرم بنیادی آن همواره ثابت است. سفر قهرمان مجموعه عناصری است با استحکامی حیرت‌انگیز که پیوسته از اعماق ذهن بشر می‌تراود؛ با جزئیاتی متفاوت در هر فرهنگ، اما در اساس مشابه و یکسان (ووگلر، ۱۳۹۴: ۳۶). او معتقد است الگوی قهرمانی موجود به‌ویژه الگوی کمپبل تا حدودی دارای جانب‌گیری مردانه است و علت آن را مرد بودن نظریه‌پردازان و دیدن دنیا از صافی جنسیت خودشان قلمداد می‌کند. از نظریه‌ی زن بودن، ریتم، توالی، نیازها و فشارهای خاص خود را با خود به داخل این چرخه می‌آورد که این اتفاق ممکن است به فرم سفر تغییراتی بدهد (همان: ۱۸). دپورا ای اسکالی<sup>۱۱</sup> معتقد است سفر قهرمان کمپبل، اساساً سفری مردانه است که در آن تنها نقش‌هایی که برای زن در نظر گرفته شده، خدایانو، اغواگر یا مادر زمین است (Scully, 2013: 52). مورد اک در کتاب سفر قهرمان مونث برای اولین بار الگویی را برای قهرمان زن به صورت مجزا عرضه می‌کند. مورد اک بر این باور است که سفر زن قهرمان از مرحله جدایی از بخش زنانه یعنی جدایی از ارزش‌های سنتی زن بودن مانند خانه‌داری، مادری و وابسته بودن شروع می‌شود و پس از

جدول (۲). مقایسه الگوی سفر قهرمان کمپیل با الگوی سفر قهرمان مورداک (نگارندگان)

مقایسه ی دو الگوی سفر قهرمانی	سفر قهرمان در الگوی مورداک	سفر قهرمان در الگوی کمپیل
در الگوی کمپیل، سفر قهرمان با تدایی از سوی سرنوشته آغاز می شود. در الگوی مورداک زن با جدانشدن از زنانگی سفر خود را آغاز می کند. در هر دو الگو قهرمان با جدا شدن از جهان عادی خود وارد جهان ماجرا می شود.	جدایی از زنانگی	دعوت به آغاز سفر
مرحله ی رد دعوت در الگوی کمپیل در الگوی مورداک وجود ندارد.		رد دعوت
مرحله ی امدادهای غیبی در الگوی کمپیل مشابه با مرحله ی هم ذات پنداری با مردانگی در الگوی مورداک است. در هر دو الگو، قهرمان از کمک و راهنمایی استاد بهره می گیرد تا او را برای سفر آماده کند. شخصیت استاد در الگوی مورداک معمولاً یک مرد است.	هم ذات پنداری با مردانگی	امدادهای غیبی
در مرحله ی عبور از نخستین آستان در الگوی کمپیل، قهرمان باید از سد نگهبانان آستانه عبور کند. این مرحله در الگوی مورداک به صورت یک مرحله ی مجزا وجود ندارد ولی زن برای ورود به دنیای مردانه معمولاً با عدم حمایت یا مخالفت مادرش و حتی برخی افراد مرتبط در زندگی اش مواجه می شود.		عبور از نخستین آستان
در الگوی کمپیل قهرمان با ورود به جهان ماجرا به گونه ای نمادین وارد زهدان و بطن نهنگ می شود. این مرحله در الگوی مورداک سفر به سرزمین تاریک روح و نوعی هیوط است با این تفاوت که در این مرحله از سفر قهرمانی اتفاق نمی افتد.		شکم نهنگ
در هر دو الگوی سفر، قهرمان باید از جاده آزمون ها و سلسله مراتبی عبور کند تا آبدیده شود.	جاده ی امتحانات دشوار	جاده ی آزمون ها
در الگوی کمپیل، بعد از پشت سر گذاشتن موانع و غول ها مرحله ی ازدواج مقدس قهرمان با خدایانو است. او باید با این روح بزرگ زنانه یکی شود. خدایانو درواقع می تواند همان آتیما یا بخش زنانه در وجود قهرمان باشد. کارکرد خدایانو مانند مرد مهربان درون در الگوی مورداک است. در آنجا نیز زن قهرمان باید با آیموس خود ازدواج کند و دو وجه طبیعت خود را به هم پیوند زند.		ملاقات با خدایانو
مرحله ی زن در نقش وسوسه گر در الگوی کمپیل در الگوی مورداک دیده نمی شود.		زن در نقش وسوسه گر
مرحله آرزوی موهوم موفقیت در الگوی مورداک، در الگوی کمپیل وجود ندارد.	آرزوی موهوم موفقیت	
مرحله زنان قوی می توانند نه بگویند از سفر قهرمانی مورداک، در الگوی کمپیل وجود ندارد.	زنان قوی می توانند نه بگویند	
در مرحله سفر به سرزمین تاریک روح در الگوی مورداک، زن با تزوای عمدی به اعماق درون خود یا هیوط سفر می کند. این مرحله در الگوی کمپیل به صورت شکم نهنگ، به عنوان رحم جهان، نمادین شده است جایی که قهرمان توسط ناشناخته بلعیده می شود و به ظاهر می میرد.	سفر به سرزمین تاریک روح	



جدول (۲). مقایسه الگوی سفر قهرمان کمپیل با الگوی سفر قهرمان مورداک (نگارندگان) [ادامه صفحه قبل]

<p>در این مرحله ی از الگوی کمپیل، قهرمان پس از عبور از موانع از نو متولد می شود. او یا کمک حامی خود یا همان پدر، بهران را پشت سر می گذارد. در الگوی مورداک همین نقش را مادر بزرگ عنکبوتی برای زن قهرمان در مرحله ی میل شدید برای پیوند دوباره با زنانگی، ایفا می کند.</p>	<p>میل شدید برای پیوند دوباره با زنانگی</p>	<p>آشنی و یگانگی با پدر</p>
<p>مرحله شکاف روحی بین مادر و دختر چگونه شفا می یابد؟ از الگوی مورداک، در الگوی کمپیل دیده نمی شود.</p>	<p>شکاف روحی بین مادر و دختر چگونه شفا می یابد؟</p>	
<p>در مرحله خدایگان در الگوی کمپیل، قهرمان با بزرگترین چالش و بهران رو به رو می شود و طعم مرگ را می چشد. این مرحله مشابه با مرحله ی آخر یعنی فراسوی دوگانگی در الگوی مورداک است.</p>		<p>خدایگان</p>
<p>در الگوی کمپیل این مرحله جایی است که قهرمان پاداش خود را دریافت می کند. در الگوی مورداک به طور خاص به این مرحله اشاره نشده است ولی از نظر مورداک زمانی که زن به وحدت مقدس می رسد، به دانش و خردی دست می یابد که می تواند با هر نفس خود را شفا دهد و دنیا را دگرگون کند.</p>		<p>برکت نهایی</p>
<p>مرحله متنازع از بازگشت در سفر قهرمانی کمپیل، در الگوی مورداک دیده نمی شود.</p>		<p>امتناع از بازگشت</p>
<p>مرحله فرار جادویی در سفر قهرمانی کمپیل، در الگوی مورداک دیده نمی شود.</p>		<p>فرار جادویی</p>
<p>در مرحله ی دست نجات از خارج در الگوی کمپیل، قهرمان برای بازگشت از سفر ماورایی اش نیاز به کمک دارد. در الگوی مورداک این مرحله مشابه زمانی است که زن به سرزمین تاریک روح سفر کرده و برای بازگشت نیاز به کمک نیروی خارجی دارد.</p>		<p>دست نجات از خارج</p>
<p>مرحله عبور از آستان بازگشت از الگوی کمپیل، در الگوی مورداک وجود ندارد.</p>		<p>عبور از آستان بازگشت</p>
<p>در مرحله ی ارباب دو جهان در الگوی کمپیل، قهرمان از یکسو ارباب جهان عادی است و از سوی دیگر ارباب جهان ویژه که از آن عبور کرده است. در الگوی مورداک در مرحله ی یافتن مرد مهربان درون، قهرمان با ازدواج مقدس دو وجه طبیعت خود را به هم می پیوندد و به باتوی دو دنیا بدل می شود؛ باتوی زمین و آسمان و باتوی جهان زیرین.</p>	<p>یافتن مرد مهربان درون</p>	<p>ارباب دو جهان</p>
<p>در مرحله آزاد و رها در زندگی از الگوی کمپیل، قهرمان با قرار گرفتن در جایگاه استادی، چرخه ی شخصیت اسطوره ای را تکمیل می کند و به اخصانه تبدیل می شود. در الگوی مورداک نیز در پایان سفر زن با کشف خویشتن به تعامیت و کمال می رسد که با آن دنیا را دگرگون می سازد.</p>	<p>فراسوی دوگانگی</p>	<p>آزاد و رها در زندگی</p>

سفر خویش، زندگی عادی یا جهان معمول را ترک می‌کند و در مراحل بعدی سفر، دیگر بار به موطن یا زندگی عادی خویش باز می‌گردد. ترک زندگی عادی و بازگشت مجدد به آن، نمادی جهان‌شمول برای رشد و تکامل شخصیت قهرمان به شمار می‌رود. قهرمان به عنوان شخصیتی رشد نیافته و ناکامل، خانه یا زندگی عادی را ترک می‌کند و سپس به عنوان شخصیتی کامل و آبدیده باز می‌گردد. قهرمان عموماً در جهان معمول، با استاد یا راهنمای اصلی سفر خویش (کهن‌الگوی پدر) مواجه می‌شود و با پیروی از آموزه‌های او سعی می‌کند با او هم‌نوا گردد (نقاش زاده و مختاباد، ۱۳۹۴: ۷۲). مراحل سفر قهرمانی بر اساس الگوی کمپبل در جدول زیر ذکر شده است.

این الگو به تعبیر ویلیام ایندیک<sup>۱۲</sup> بر پایه نظریات فروید، یونگ و اتو رنک و دانش خود کمپبل در باب اسطوره‌های جهانی با ساختاری مبتنی بر مراحل سفر قهرمان طراحی شده است. به زعم ایندیک، کمپبل مراحل سفر را بر پایه مطالعات کلاسیک در روان‌شناسی و اسطوره‌شناسی در داستان‌های ملل مختلف طراحی کرده است (ایندیک، ۱۳۸۸: ۲۰).

### مراحل سفر قهرمان بر اساس الگوی مورداک

الگوی مورداک تا اندازه‌ای از الگوی سفر قهرمانانه کمپبل گرفته شده، با این تفاوت که زبان و مراحل آن مخصوص زنان است (مورداک، ۱۳۹۶، ۲۵). این الگو تجربه همه زنان در تمام سنین را پوشش نمی‌دهد و فقط مختص زنان نیز نیست، بلکه مربوط به سفر هر دو جنس مؤنث و مذکر است. مورداک تجربه اکثر کسانی را توصیف می‌کند که می‌خواهند فعال باشند و به دنیا خدمت کنند، اما در عین حال از بلایی که جامعه رو به توسعه بر سر روح و روان انسان و تعادل زیست محیطی سیاره زمین آورده می‌ترسند. حرکت در میان مراحل سفر به صورت دایره‌ای تصویر شده است و شخص می‌تواند در یک لحظه، در چندین مرحله سفر باشد (همان: ۲۷). از نظر مورداک زنان الگویی مختص خود برای تقلید و پیروی نداشته‌اند. پس به ناچار از الگوی سفر قهرمانی مردان تقلید کرده‌اند. زنان فقط حق انتخاب دو راه را داشتند: یا باید زیر سلطه مردان قرار می‌گرفتند یا این‌که در فرهنگ مردمحور جایی که قواعد بازی ویژه مردان است، موفق می‌شدند (همان،

(۳۸).

الگوی پیشنهادی مورداک به صورت دایره‌ای ترسیم شده و دارای ۱۰ مرحله است به طوری که سفر با جدایی از زنانگی آغاز می‌شود و در نهایت با پیوند دوباره زنانگی و مردانگی به پایان می‌رسد.

### بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های سفر قهرمان زنانه و مردانه

با وجود شباهت‌هایی که بخش اعظم انسان‌ها در واقعیات تولد، رشد و مرگ با یکدیگر دارند، فرم سفر آن‌ها با یکدیگر متفاوت است و الگوی سفر قهرمان کمپبل یک الگوی مردانه تلقی می‌شود که با الگوی سفر قهرمان زنانه با توجه به نیازها، فشارها و ریتم زندگی آن‌ها، متفاوت است. بنا به گفته ووگلر ممکن است سفرهای مردان به یک معنا خطی‌تر باشند و از یک هدف بیرونی به دیگری ادامه یابند، در حالی که سفرهای زنانه به شکلی چرخشی یا مارپیچ به داخل و خارج حرکت می‌کنند. شاید حرکت مارپیچ در مقایسه با خط مستقیم یا دایره ساده، تمثیل دقیق‌تری برای سفر زنان باشد. الگوی احتمالی دیگر، رشته‌ای از حلقه‌های متحدالمركز است، که در آن زنان سفری را به درون و به سمت مرکز انجام می‌دهند و سپس دوباره سفر را به سمت بیرون می‌کشاند (ووگلر، ۱۳۹۴: ۱۸). به زعم ایندیک، در حالی که قهرمان مذکر اسطوره‌ای کمپبل کهن‌الگوی خود را ترکیب می‌کند تا با مرگ خویش به مقامی افسانه‌ای دست یابد، قهرمان مؤنث معاصر مورداک، کهن‌الگوی خود را ترکیب می‌کند تا در زندگی به تعادلی روانی برسد. وی در ادامه، وجود تفاوت‌ها و شباهت‌های دو الگوی مورداک و کمپبل را عاملی دانسته تا این دو الگو به‌عنوان مکمل یکدیگر شناخته شوند (ایندیک، ۱۳۹۰: ۶۶). تفاوت‌ها و شباهت‌های دو سفر قهرمانی زنانه و مردانه بر اساس الگوی مورین مورداک و جوزف کمپبل را می‌توان بر اساس جدول زیر مطرح نمود.

### تحلیل موردهای مطالعاتی

در این بخش ضمن ارائه خلاصه‌ای از فیلم‌ها تلاش خواهد شد مدل کمپبل و مورداک را بر اساس شخصیت‌های موردهای مطالعاتی انتخاب و به تشریح



آن‌ها در جدول‌های اختصاصی پردازیم.

### خلاصه داستان

پیت رپارکر شخصیت اصلی مرد عنکبوتی در همان ابتدا کشته می‌شود و مایلز مورالز دانش‌آموز دبیرستانی که در اثر گزش عنکبوت رادیواکتیوی به مرد عنکبوتی تبدیل شده حالا مسوول نجات مردم و شهر خود است.

### بررسی انیمیشن شجاع بر اساس الگوی سفر قهرمانی مورداک

شجاع، داستان دختری اسکاتلندی به اسم مریدا با

مهارت‌های تیراندازی بالا و روحیه‌ای سرسخت است. ملکه یا مادر مریدا سعی دارد دخترش را به‌صورت یک پرنسس تربیت کند ولی مریدا معمولاً از دستورات او سرپیچی می‌کند. زمانی که خانواده‌اش او را مجبور به ازدواج با یکی از پسران سه قبیله می‌کنند با مخالفت مریدا مواجهه می‌شوند. او از جادوگری درخواست می‌کند که طلسمی به او بدهد تا توسط آن، نظر مادرش را در مورد ازدواج او تغییر دهد و در اثر این کار مادرش به خرس تبدیل می‌شود. در ادامه مریدا طی سفر قهرمانی زنانه، تلاش می‌کند تا طلسم را باطل کند و شکاف ایجاد شده بین خود و مادر را شفا دهد.

جدول (۳). تحلیل انیمیشن مرد عنکبوتی، سفر به دنیای عنکبوتی بر اساس الگوی سفر قهرمان کمپبل (نگارندگان) [ادامه در صفحات بعد]

<p>در همان پلان‌های ابتدایی فیلم در رفتار مایلز شاهد هستیم، جایی که او با وجود قبولی در مدرسه تیزهوشان، تمایلی به عوض کردن مدرسه قبلی خود ندارد. بعد از این که مایلز توسط عنکبوت رادیواکتیوی گزیده می‌شود سعی دارد تغییرات فیزیکی که در او رخ می‌دهد را توجیه کند و به زندگی عادی خود ادامه دهد. او تمایلی به مرد عنکبوتی شدن ندارد و از مسوولیتی که در پی آن رخ می‌دهد، فرار می‌کند. سفر مایلز به عنوان مرد عنکبوتی زمانی آغاز می‌شود که پیت رپارکر که به شدت زخمی شده و در حال مرگ است، کلید کولایدر را به او می‌دهد و از او می‌خواهد با از کار انداختن کولایدر جان همه را نجات دهد. در این جا پیت رپارکر در نقش منادی ظاهر می‌شود که مایلز را به ماجرا فرا می‌خواند. مایلز با مسوولیتی که متقبل می‌شود، باید تلاش کند که با از کار انداختن کولایدر، از تلفیق ابعاد در جهان‌های موازی جلوگیری کند و مانع از مرگ خود، خانواده و مردم شهر شود.</p>	<p><b>مرحله نخست: دعوت به آغاز سفر</b></p>	
<p>پس از این که مایلز به پیت رپارکر قول می‌دهد که مأموریت او را به پایان رساند، او تلاش می‌کند تا توانایی‌های خود را کشف کند. در طی تلاش مایلز برای مرد عنکبوتی شدن، او از ساختن سقوط می‌کند که همین مساله موجب شکسته شدن کلید کولایدر می‌شود و او را بیش از پیش از انجام مأموریت و قوی که به پیت رپارکر در لحظه مرگش داده، باز می‌دارد. به دنبال شکسته شدن کلید، مایلز بر سر مقبره پیت رپارکر می‌رود و از او عذرخواهی می‌کند که با وجود تمایلی که برای انجام این مأموریت دارد ولی نمی‌تواند این کار را بدون او به انجام رساند و فرد مناسبی برای انجام این کار نیست و در واقع دعوت او را رد می‌کند.</p>	<p><b>مرحله دوم: رد دعوت</b></p>	
<p>پیت رپارکر، علاوه بر منادی، استاد یا راهنمای اصلی مایلز در مسیر سفر به شمار می‌رود. کسی که انگیزه اصلی برای انجام این مأموریت را در مایلز ایجاد کرده‌است. قهرمان در مسیر ماجراهای سفر، ممکن است یک استاد یا راهنمای فرعی نیز بیاید که به او راهکارهای مواجهه با مشکلات را بیاموزد و او را راهنمایی کند. استاد یا راهنمای اصلی یعنی پیت رپارکر در همان ابتدای کار کشته می‌شود و در ادامه مایلز با پیت بی پارکر، استاد یا راهنمای فرعی، آشنا می‌شود. در این سفر چهار دوست دیگر به نام‌های گوئن استیسی، پیت رپارکر (مرد عنکبوتی کلاسیک)، پنی پارکر (زن عنکبوتی دی آر) و پیت پورکر (خوک عنکبوتی) که همه آن‌ها از بعدهاهای دیگری به این جا آمده‌اند، او را همراهی می‌کنند.</p>	<p><b>مرحله سوم: امدادهای غیبی</b></p>	<p>۱. بخش اول: عزیمت</p>
<p>زمانی که مایلز از پیت رپارکر درخواست کمک می‌کند، مرد عنکبوتی که به‌نظر می‌رسد از انجام مأموریت‌های این چنینی زمان زیادی است که شانه خالی کرده‌است، درخواست او را رد می‌کند و حتی از مایلز می‌خواهد که او نیز به زندگی عادی خود باز گردد و یک پسر معمولی باشد. در واقع پیت بی پارکر در ابتدا نقش کهن الگوی نگهبان آستانه را بر عهده دارد ولی با سماجت مایلز تن به همراهی او می‌دهد و از آن جایی که کلید کولایدر شکسته‌است، در پیدا کردن الگوریتم و ساختن کلیدی جدید برای نابودی کولایدر به او کمک می‌کند و در ادامه نقش استاد و راهنما را برای او ایفا می‌کند.</p>	<p><b>مرحله چهارم: عبور از نخستین آستان</b></p>	
<p>در ابتدا مایلز توانایی استفاده از قابلیت‌های خود را ندارد و همه آن‌ها به صورت اتفاقی برای او رخ می‌دهد. به‌عنوان مثال دست‌های او حالت چسبندگی پیدا کرده‌اند ولی او نمی‌تواند آن‌ها را جدا کند. در مواقع دفاع از خود، به صورت اتفاقی یک نوع شوک الکتریکی به حریف وارد کند. زمانی که برای دزدیدن اطلاعات الگوریتم به دانشکده تکنولوژی خصوصی می‌روند او برای مدتی نامرئی می‌شود. همه این‌ها توانایی‌هایی هستند که مایلز در ابتدا هیچ کنترلی روی آن‌ها ندارد ولی در نهایت او خود را باور می‌کند، توانایی‌هایش را بروز می‌کند و در پایان دوستان و شهر خود را نجات می‌دهد.</p>	<p><b>مرحله پنجم: شکم نهنگ</b></p>	

ادامه جدول (۳). تحلیل انیمیشن مرد عنکبوتی، سفر به دنیای عنکبوتی بر اساس الگوی سفر قهرمان کمپبل [ادامه در صفحه بعد]

<p>مایلز در مسیر تبدیل شدنش به سوپر قهرمان، آزمون‌هایی را پشت سر می‌گذارد. دزدیدن الگوریتم برای نابودی کولایدر، حمله توسط افراد کینگ بین به مایلز و دوستانش برای پس گرفتن الگوریتم و آزمون آخر، عملیات نابودی کولایدر، که در واقع آزمون‌های قبلی برای آمادگی و مواجهه با این آزمون بودند.</p>	<p><b>مرحله ششم: جاده آزمونها</b></p>	
<p>این مرحله در مرد عنکبوتی وجود ندارد.</p>	<p><b>مرحله هفتم: ملاقات با خدایان</b></p>	
<p>این مرحله در مرد عنکبوتی وجود ندارد.</p>	<p><b>مرحله هشتم: زن در نقش وسوسه‌گر</b></p>	
<p>طی صحبتی که پدر مایلز با او دارد نوعی آشتی بین آن دو که از ابتدای داستان رابطه خوبی با یکدیگر نداشتند، شکل می‌گیرد و حرف‌های پدرش جرقه‌ای در او ایجاد می‌کند که باعث می‌شود بر ترس خود غلبه کرده و توانایی خود را کشف کند و آماده‌ی نبرد نهایی شود. او با پوشیدن یکی از لباس‌های پیتر پارکر، به صورت ظاهری نیز به ویژگی‌های یک مرد عنکبوتی واقعی نزدیک می‌شود.</p>	<p><b>مرحله نهم: آشتی و بیگانگی با پدر</b></p>	<p><b>۲. بخش دوم: آیین تشریف</b></p>
<p>مبارزه آخر با کینگ بین، بزرگ‌ترین چالش و بحرانی است که مایلز با آن روبه‌رو می‌شود. او باید تمام آموخته‌های خود را در این مرحله به کار گیرد و تمام درس‌هایی را که از استاد، نگهبانان و متحدان خود آموخته، در این مرحله ادغام کند و با ایمان به نیرو و توانایی منحصر به فرد خود به جنگ با کینگ بین برود. او تا پای مرگ پیش می‌رود و دقیقاً با خطری که پیتر پارکر با آن روبه‌رو شده بود، مواجه می‌شود ولی او کشته نمی‌شود و کینگ بین را شکست می‌دهد. مایلز با چشیدن طعم مرگ در این مرحله به ساحت ماورایی نزدیک می‌شود و نیروی روحانی آن جهان را بدست می‌آورد.</p>	<p><b>مرحله دهم: خدایگان</b></p>	
<p>مایلز در نهایت با شکست کینگ بین و از بین بردن کولایدر مانع از نابودی خود، خانواده و مردم شهر می‌شود. او جسارت هر آن‌چه را در دنیای ویژه به دنبالش بود به دست آورده است. به گفته وولگر توانایی غلبه بر نیروهای مرگ همان اکسیر واقعی است که اغلب قهرمانان به دنبال آن هستند و درواقع بزرگ‌ترین پاداش مایلز نیز همان قابلیت و توانایی غلبه و رو در رو شدن با مرگ است، به طوری که او هیچ ترس و واکنشی از انجام این کار را ندارد.</p>	<p><b>مرحله یازدهم: برکت نهایی</b></p>	
<p>مایلز که در ابتدا علاقه‌ای به ترک زندگی عادی و تبدیل به مرد عنکبوتی شدن نداشت، و حتی حاضر به ترک مدرسه خود در بروکلین نبود، اینک نسبت به ترک جهان ماجرا و بازگشت به جهان عادی و این‌که تنها یک پسر معمولی باشد، تمایلی ندارد. او دچار دگرگونی بنیادین شده و به این‌که مرد عنکبوتی شده باور پیدا کرده است. او به ادامه تحصیل خود در مدرسه تیزهوشان می‌پردازد و همچنین به‌عنوان مرد عنکبوتی جدید، مردم شهر را نجات می‌دهد.</p>	<p><b>مرحله دوازدهم: امتناع از بازگشت</b></p>	
<p>پس از فشار دادن دکمه کولایدر مایلز باید تمام تلاش خود را می‌کند که از دستگاه فاصله بگیرد و از آن مکان بگریزد و وارد کولایدر که در هنگام نابودی، همه چیز را در خود می‌بلعید، نشود تا بتواند در شهر خود و در همان زمان باقی بماند.</p>	<p><b>مرحله سیزدهم: فرار جادویی</b></p>	
<p>زمانی که مایلز از ضربه مهلکی که کینگ بین به او وارد کرده روی زمین افتاده است، پدر از او می‌خواهد که دوباره از جای خود بلند شود و تسلیم نشود. در واقع دیدن پدر به او یادآوری می‌کند که در درون خود توانایی دارد که باعث می‌شود در هر کاری پیروز شود و این انگیزه را در مایلز ایجاد می‌کند که برای زندگی دوباره درکنار خانواده خود هم که شده، کینگ بین را شکست دهد. پدر در این جا مثل یک ندا، انگیزه و دست نجات از بیرون برای مایلز است تا او را به جهان عادی بازگرداند و از مرگ نجات یابد.</p>	<p><b>مرحله چهاردهم: دست نجات از خارج</b></p>	<p><b>۳. بخش سوم: بازگشت</b></p>
<p>مایلز که در طول سفر قهرمانی خود، با رمز و رازهای مرد عنکبوتی بودن به‌طور کامل آشنا شده و توانایی و قابلیت‌های جدید خود را کشف کرده است، در نهایت به زندگی عادی خویش برمی‌گردد، با این تفاوت که حالا او نیز مرد عنکبوتی است و مسوولیت نجات مردم را بر عهده دارد. او با غلبه بر کینگ بین، خود را به‌عنوان مرد عنکبوتی جدید به مردم شهر معرفی می‌کند و مردم او را به عنوان سوپر قهرمان جدید خود بعد از پیتر پارکر، می‌پذیرند.</p>	<p><b>مرحله پانزدهم: عبور از آستان بازگشت</b></p>	
<p>مایلز پس از بازگشت خود از سفر قهرمانی، هم به عنوان مرد عنکبوتی به نجات مردم می‌پردازد و هم به تحصیل خود در مدرسه جدیدش ادامه می‌دهد. مایلز با ادغام و یکی‌سازی همه درس‌های خود در طول سفر، آن‌ها را به بخشی از جسم خود تبدیل کرده است. او با ایجاد تعادلی بین هر دو جهان در درون، چرخه شخصیت خود را کامل کرده است.</p>	<p><b>مرحله شانزدهم: ارباب دو جهان</b></p>	
<p>مایلز به شخصیت افسانه‌ای، الهام‌بخش و ابدی برای همه مردم تبدیل شده است. او حالا به‌عنوان اسطوره‌ای جدید برای مردم خود محسوب می‌شود.</p>	<p><b>مرحله هفدهم: آزاد و رها در زندگی</b></p>	

عبور کرده‌است. مهم‌ترین مؤلفه‌های سفر قهرمانی مردانه در جدول زیر به صورت هایلایت مشخص شده‌است.

### مهم‌ترین مؤلفه‌های سفر قهرمان زنانه

از مهم‌ترین مؤلفه‌های سفر قهرمانی زنانه مورد اک بر اساس انیمیشن شجاع می‌توان به این موارد اشاره کرد: سفر زن قهرمان با طرد زنانگی و جدایی از مادر آغاز می‌شود. در مرحله همذات‌پنداری با مردانگی کهن‌الگوی استاد یاری‌گر قهرمان زن در این سفر خواهد بود که معمولاً شخصیت مذکری است تا او را با قواعد زندگی مردانه و روش‌های کسب موفقیت آشنا کند. سپس قهرمان زن وارد مرحله جاده آزمون‌ها می‌شود و پس از رسیدن به استقلال و اقتدار به موفقیت مورد انتظار خود دست می‌یابد، ولی از دست‌آورد خود احساس رضایت نمی‌کند و همچنین کسب موفقیت‌های متوالی او را ارضا نمی‌کند تا این که به سرزمین تاریک روح یا هبوط می‌رود تا بخش‌هایی از وجود خود را باز پس گیرد. این سفر آکنده از اندوه، گم‌گشتگی، ناامیدی و خشم است. او وجود خود را زیر و رو می‌کند و به کشف خویشتن می‌پردازد. پس از بازگشت زن از هبوط، در مرحله میل شدید برای پیوند دوباره با زنانگی، مادر بزرگ عنکبوتی که دارای شخصیتی مادرانه، دل‌سوز و نصیحت‌کننده است زن قهرمان را یاری می‌کند تا ارتباط و اتصال خود را با چرخه طبیعت ارج نهد و مسوولیتش را به او یادآوری می‌کند. در نهایت زن در پایان سفر در مرحله فراسوی دوگانگی با کشف خویشتن به تمامیت و کمال می‌رسد؛ جایی که مورد اک از ماهیت دوگانه الوهیت سخن می‌گوید و این که منشأ انسان یک اصل واحد با طبیعت دوگانه است. مهم‌ترین مؤلفه‌های سفر قهرمانی زنانه در نمودار زیر به صورت هایلایت مشخص شده‌است.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف کلی شناخت بهتر سفر قهرمانی جوزف کمپبل با در نظر گرفتن آن به‌عنوان الگویی مردانه و سفر قهرمانی مورین مورد اک به‌عنوان الگویی زنانه به انجام رسید و در آن به تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو سفر قهرمانی نسبت به هم پرداخت شد. در ادامه، تحلیل انیمیشن مرد عنکبوتی، سفر به دنیای عنکبوتی بر اساس الگوی کمپبل و انیمیشن شجاع بر اساس الگوی مورد اک، به دنبال دست‌یابی به این شناخت، صورت گرفت. در



تصویر ۱: مرد عنکبوتی.

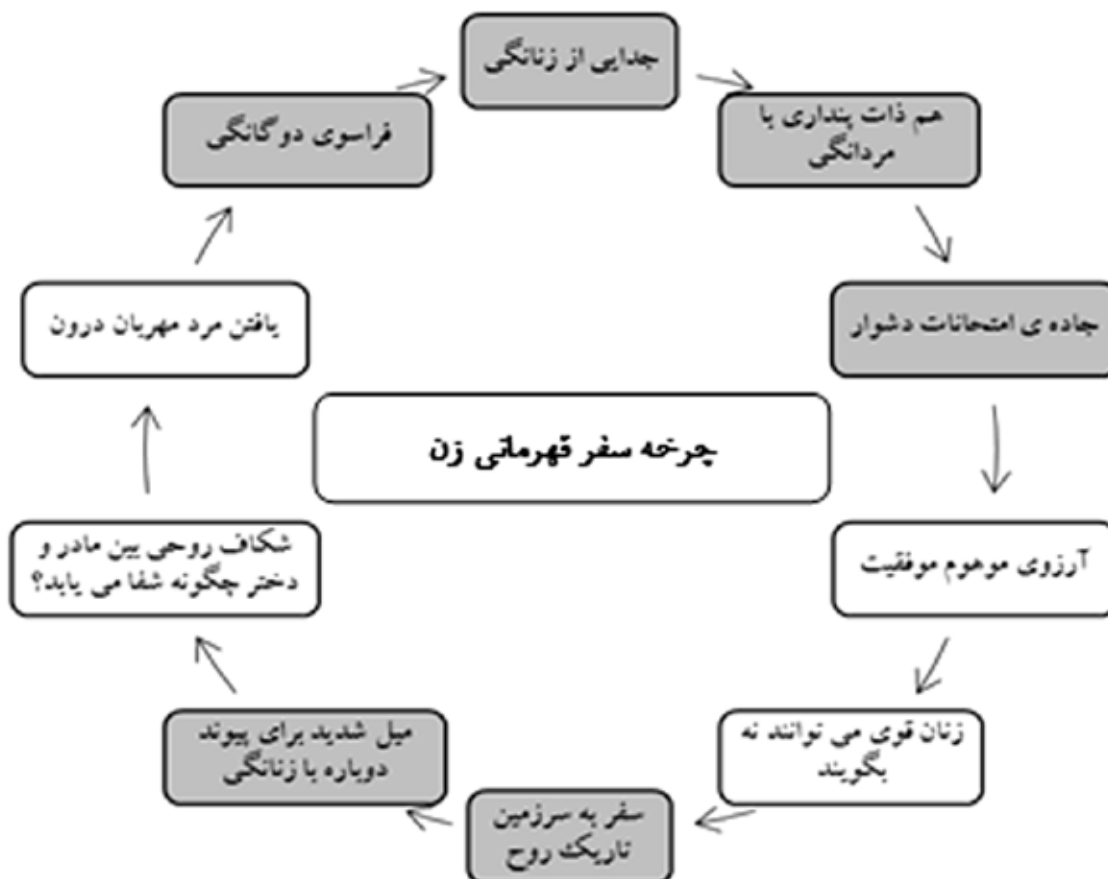
### مؤلفه‌های سفر قهرمان مردانه

از مهم‌ترین مؤلفه‌های سفر قهرمانی مردانه کمپبل بر اساس انیمیشن مرد عنکبوتی می‌توان به این موارد اشاره کرد: سفر قهرمانی کمپبل با دعوت به آغاز سفر و ندایی از سوی سرنوشت آغاز می‌شود و معمولاً قهرمان به‌واسطه شخصیت منادی به جهان ماجرا فراخوانده می‌شود. کهن‌الگوی قهرمان که نمونه نوعی یکی قهرمان بی‌میل است معمولاً این دعوت را رد می‌کند. در مرحله امدادهای غیبی اغلب قهرمان از طریق شخصیت استاد یا راهنما مهارت می‌یابد و پس از عبور از نگهبانان آستانه وارد مرحله آزمون‌ها می‌شود و با پشت سر گذاشتن موانع و غول‌ها آب‌دیده می‌شود. قهرمان پس از عبور از مسیر آزمون‌ها با کمک حامی خود یا همان پدر، بحران را پشت سر می‌گذارد و خود در جایگاه استادی قرار می‌گیرد. او به دلیل زنده ماندن در آزمون نهایی، پاداش می‌گیرد و در مرحله بازگشت، قهرمان باید آن‌چه را که از سفر قهرمانی به دست آورده با دیگران به اشتراک گذارد و در نهایت در مرحله ارباب دو جهان، قهرمان از یک سو ارباب جهان عادی است و از سوی دیگر ارباب جهان ویژه که از آن

جدول (۵). مهم‌ترین مؤلفه‌های سفر قهرمان مردانه

بخش اول عزیمت	بخش دوم آیین تشرف	بخش سوم بازگشت
۱. دعوت به آغاز سفر	۶. جاده‌ی آزمون‌ها	۱۲. امتناع از بازگشت
۲. رد دعوت	۷. ملاقات با خدایان	۱۳. فرار جادویی
۳. امدادهای غیبی	۸. زن در نقش وسوسه‌گر	۱۴. دست نجات از خارج
۴. عبور از نخستین آستان	۹. آشتی و یگانگی با پدر	۱۵. عبور از آستان بازگشت
۵. شکم نهنگ	۱۰. خدایگان	۱۶. ارباب دو جهان
	۱۱. برکت نهایی	۱۷. آزاد و رها در زندگی

نمودار (۲). مهم‌ترین مؤلفه‌های سفر قهرمان زنانه







## جدول (۴). تحلیل انیمیشن شجاع بر اساس الگوی سفر قهرمانی مورد اک

جدایی مریدا از مادرش زمانی اتفاق می افتد که روسای قبایل فرزند خود را برای خواستگاری کردن از مریدا به قصر آورده اند. برای انتخاب خواستگار شایسته مسابقه ای تدارک داده می شود که به انتخاب مریدا تیراندازی است. هیچ کدام از خواستگاران مهارت تیراندازی ندارند و تیرهای آن ها به خطا می رود. مریدا بدون در نظر گرفتن ملاحظات ملکه، در میدان تیراندازی شروع به خودنمایی می کند و هر سه تیر خود را به مرکز سیبل می زند. این کار مریدا خشم مادرش را برمی انگیزد و منجر به جروبخت شدیدی بین او با مادرش می شود. در خلال این بحث مریدا تاپستری مادرش را پاره می کند که این اقدام موجب جدایی کامل او از مادرش می شود.	<b>مرحله نخست:</b> <b>جدایی از زنانگی</b>
مریدا از همان کودکی با کمانی که پدر در روز تولدش به او هدیه می دهد به کمان داری علاقه مند می شود. او حتی برخی رفتارهای پدر مانند گذاشتن کمان روی میز ناهارخوری را تکرار می کند. کارهایی که او انجام می دهد بیش تر توجه و تأیید پدر را به دنبال دارد تا مادرش را. در این جا پدر به عنوان اولین راهنما در مسیر قهرمانی مریدا محسوب می شود. تأیید و پذیرش پدر مریدا در زندگی او باعث رشد آنیموس مثبت، مرد دل رحم و مهربان در درون او شده که بدون قضاوت از تلاش های خلاق او حمایت می کند. مریدا از پیرزن جادوگری می خواهد تا به او طلسمی دهد تا از طریق آن بتواند نظر مادرش را تغییر دهد و به این ترتیب سرنوشتی را که ملکه برای او متصور شده، تغییر دهد. به گفته مورد اک چون قهرمان از سوی مادر خود طرد شده احساس بی مادری می کند و به همین دلیل به دنبال یک الگوی زنانه مثبت می رود تا توجه و پذیرش او را جلب کند. در این جا پیرزن جادوگر به عنوان راهنما در سفر قهرمانی، با طلسمی که به مریدا می دهد، به او کمک می کند تا مادر خود را تغییر دهد.	<b>مرحله دوم:</b> <b>هم ذات پنداری با مردانگی</b>
بعد از این که طلسم جادوگر مادر را به یک خرس تبدیل می کند مریدا با کمک سه برادرش به ملکه کمک می کند تا او را از قصر خارج کنند و مانع از کشته شدن او توسط پدرش که یک شکارچی خرس است، شوند. حالا مریدا در تلاش است که با پیدا کردن خانه جادوگر طلسم را بشکند و مادرش را به حالت قبل برگرداند.	<b>مرحله سوم:</b> <b>جاده امتحانات دشوار</b>
زمانی که جادوگر راه حل از بین رفتن طلسم را به مریدا می دهد، او که معنی جملات جادوگر را متوجه نمی شود احساس شکست و سرافکنندگی می کند و از این که مادرش برای همیشه به خاطر اشتباه او به خرس تبدیل شود، نگران است. مریدا برای این که طلسم جادوگر را باطل کند به دنبال یک راه حل بیرونی است. در صورتی که جواب حل معما در وجود خود او و بینش درونی اش در ارتباط با مادر برمی گردد.	<b>مرحله چهارم:</b> <b>آرزوی موهوم موفقیت</b>
در این مرحله نه گفتن برای مریدا وجهای درونی دارد. بنا به گفته جادوگر، او باید غرور و تکبری را که باعث جدایی او از مادرش شده از بین ببرد و اصطلاحاً به آن نه بگوید. او با نگرستن در درون خویش باید بتواند شکافی که بین او و مادر در درونش ایجاد شده را شفا بخشد.	<b>مرحله پنجم:</b> <b>زنان قوی می توانند نه بگویند</b>
در روزی که مریدا با مادرش در جنگل سپری می کنند، با دنبال کردن گوی های نورانی، سر از قلعه ای متروکه درمی آورند. ناگهان مریدا به درون گودالی سقوط می کند که در واقع یکی از اتاق های قلعه است. افتادن مریدا در گودال نمادی از سفر او به سرزمین تاریک روح و نوعی هبوط است. جایی که او به کشف و شهود در درون خود می پردازد و به معنی سخنان جادوگر و چگونگی از بین بردن طلسم پی می برد.	<b>مرحله ششم:</b> <b>سفر به سرزمین تاریک روح</b>
مورد اک در این مرحله از شخصیتی به نام مادر عنکبوتی نام می برد که زنان را بعد از سفر به سرزمین تاریک روح راهنمایی می کند. پیرزن جادوگر در این جا نمادی از کهن الگوی مادر عنکبوتی است که پیغام او راهنمای مریدا در ترمیم پیوند دوباره مریدا با مادرش است. او متوجه می شود که راه خلاصی از طلسم کنار گذاشتن تکبر، پیوند دوباره با مادر و ترمیم پرده نقاشی (تاپستری) است.	<b>مرحله هفتم:</b> <b>میل شدید برای پیوند دوباره با زنانگی</b>
مریدا که به راه حل برطرف شدن طلسم پی برده و معنی سخنان جادوگر را متوجه شده است، راه بازگشت مادرش به حالت اولیه را در ترمیم پرده نقاشی می داند. پس آن را به قصر باز می گرداند تا قبل از این که تأثیر طلسم دائمی شود، تاپستری را ترمیم کنند. در واقع دوختن دوباره پرده نقاشی در این جا نمادی از علاج شکاف بین مادر و دختر محسوب می شود.	<b>مرحله هشتم:</b> <b>شکاف روحی بین مادر و دختر چگونه شفا می یابد؟</b>
تأیید و پذیرش پدر مریدا در ابتدای فیلم باعث رشد آنیموس مثبت، مرد دل رحم و مهربان در درون او شده که بدون قضاوت از تلاش های خلاق او حمایت می کند. با وجود این زمانی که پدر مریدا متوجه حضور خرس در قلعه می شود، سعی در نابودی او دارد و حرف های مریدا مبنی بر وجود طلسم و تبدیل شدن ملکه به خرس را باور نمی کند و او را در اتاق زندانی می کند تا به شکار خرس و انتقام خون ملکه برود. ولی مریدا با کمک سه برادرش موفق می شود از قصر خارج شود و با تمام توانش جلوی پدر ایستادگی می کند و مانع کشته شدن مادرش می شود. در واقع این کار مریدا نمادی از مبارزه او با مردانگی مخرب و شفای بخش آنیما در وجود اوست. بخش آنیما و آنیموس در وجود مریدا به انسجام رسیده است و او هر دو آن ها را در کنار هم می پذیرد.	<b>مرحله نهم:</b> <b>یافتن مرد مهربان درون</b>
با دومین طلوع خورشید در حالی که مریدا تاپستری ترمیم یافته را روی مادرش می اندازد، ملکه به حالت اولیه خود باز می گردد. تمام این اتفاقات در دایره ای رخ می دهد که توسط سنگ هایی احاطه شده است. در نظریه مورد اک در توصیف شکل هندسی دایره در صحنه پایانی، دایره محل دادن و گرفتن است و عشق بی قید و شرط را به ما می آموزد. جادو در دایره رخ می دهد. جایی که شاهد عشق بین مریدا و مادرش هستیم و طلسم در آن جا شکسته می شود و با به کمال رسیدن مریدا و مادرش، تولد دوباره در فضای مدور دایره رخ می دهد. مریدا که در ابتدا شخصیتی لجباز و خودسر بود، در نهایت با کشف زنانگی درون و پیوند وجه زنانه و مردانه در وجودش به شخصیتی خودساخته، مستحکم و مهربان تبدیل می شود.	<b>مرحله دهم:</b> <b>فراسوی دوگانگی</b>

کمپبل، جوزف، (۱۳۸۸). **قهرمان هزار چهره**. ترجمه: شادی خسروپناه. مشهد: گل آفتاب.  
 ----- (۱۳۸۸). **قدرت اسطوره**. ترجمه: عباس مخیر. تهران: مرکز.  
 کورین، ویلفرد، آل. جان. ار. ویلینگهام، ارل. جی. لیبیر و دیگران (۱۳۷۰). **راهنمای رویکردهای نقد ادبی**. ترجمه: زهرا میهن خواه. تهران: اطلاعات.  
 مارشال، کاترین. راسمن، گرچن ب، (۱۳۸۱). **روش تحقیق کیفی**، ترجمه: علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.  
 نقاش زاده، مسعود و سید مصطفی مختاباد، (۱۳۹۴). «روایت اسطوره‌ای در فیلم داستانی با بررسی فیلم جویندگان»، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه هنر، شماره ۱۰، ص ۶۸.  
 ----- (۱۳۹۴). «تحلیل ساختار فیلم‌های حماسی بر اساس الگوی سفر قهرمان»، پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۲، شماره ۲، ص ۶۵-۸۵.  
 - مورتاداک، مورین، (۱۳۹۶). **زرقای زن بودن**. ترجمه: سیمین موحد. تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.  
 - ووگلر، کریستوفر، (۱۳۹۴). **سفر نویسنده**. ترجمه: محمد گذرآبادی. تهران: مینوی خرد.

## ب / لاتین

Indick, W. (2004) "Classical Heroes in Modern Movies: Mythological Patterns of the Superhero". *Journal of Media Psychology*, Vol. 9, No.3.  
 Scally, Deborah A (2013). **Chihiro's journey: Re-imaging the heroic quest in the anime of Miyazaki Hayao**, Phd Thesis, University of Texas, Dallas.

الگوی سفر قهرمانی کمپبل، قهرمان در نخستین بخش سفر خویش، زندگی عادی یا جهان معمول را ترک می‌کند و در مراحل بعدی سفر، پس از طی کردن مرحله‌آزمون‌ها و مواجهه با خطرات متفاوت، دیگر بار به موطن یا زندگی عادی خویش باز می‌گردد. ترک زندگی عادی و بازگشت مجدد به آن، نمادی جهان شمول برای رشد و تکامل شخصیت قهرمان به شمار می‌رود. قهرمان به‌عنوان شخصیتی رشد نیافته و ناکامل، خانه یا زندگی عادی را ترک می‌کند و سپس به‌عنوان شخصیتی کامل و آبدیده باز می‌گردد. در الگویی هم که برای سفر قهرمانی زن توسط مورتاداک ارائه شده، سفر با جدایی از زنانگی آغاز می‌شود و در نهایت با پیوند دوباره زنانگی و مردانگی به پایان می‌رسد و زن با یک‌پارچه کردن تناقض‌های درون خود به کمال می‌رسد و از نو به دنیا می‌آید. با بررسی‌هایی که روی این دو الگو انجام شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر دو الگو دارای شباهت‌های زیادی در مراحل سفر نسبت به یکدیگر هستند ولی اهداف و ریتم متفاوتی دارند. بخش اعظم انسان‌ها در واقعیات تولد، رشد و مرگ به یکدیگر شباهت دارند اما فرم سفر قهرمانی زنانه با سفر قهرمانی مردانه متفاوت است. سفرهای مردانه فرم خط مستقیم یا دایره‌ای ساده دارند در حالی که سفرهای زنانه به شکلی چرخشی یا مارپیچ به داخل و خارج حرکت می‌کنند.

## پی‌نوشت‌ها

1. Joseph John Campbell
2. Maureen Murdock
3. The Heroine's Journey
4. Hero with thousand faces
5. Northrope Frye
6. Anatomy of Criticism
7. Otto Rank
8. Lord Raglan
9. James Frazer
10. Christopher Vogler
11. Scally, Deborah
12. William Indick

## فهرست منابع

### الف / فارسی

ایندیک، ویلیام، (۱۳۹۰). **سفر قهرمان مونث**. ترجمه: محمد گذرآبادی. فازایی، شماره ۶۸، ص ۵۹-۶۶.  
 ذکرگو، امیرحسین، (۱۳۸۱). «تاملاتی بنیادین در مطالعات تطبیقی هنر»، هنر، شماره ۵۴، ص ۱۶۳-۱۷۳.  
 - فرای، نورترپ، (۱۳۷۷). **تحلیل نقد**. ترجمه: صالح حسینی. تهران: نیلوفر.  
 ----- (۱۳۹۱). **تحلیل نقد / کالبدشکافی نقد**، ترجمه: صالح حسینی، تهران: نیلوفر.



# **Comparative Study of Hero's Journey Pattern by Joseph Campbell and Heroine's Journey Pattern by Maureen Murdock in Animations of the Spider-man and Brave**

---

**Payam Zinalabedini**

Lecturer in Soore University and Kamalolmolk University, Tehran, Iran.

**Fatemeh Jazebi**

Master's student in animation, Soore University, Tehran, Iran.

(Received 25 May 2022, Accepted 05 July 2023)

## **Abstract**

Myths are the identity of a nation and it is noteworthy to its own nation's people and the international community. Myths controllers and flow makers. Heroic journey is a pattern which most of thinkers including mythologists have considered it one of people who has studied the myth of the hero seriously, is Joseph Campbell. The filmmakers have imagined 'Hero's and Heroine's Journeys' identically under the influence of Campbell's model and displayed it on cinema screen. Although the major part of this journey is the same for all humans and we are shared in facts of birth, growth and death, we possess different cycle, rhythm and needs. The mythical structure by which Joseph Campbell has written book of 'A hero with a thousand faces' is classic and formal technique that has affected researchers and scenarists in the fields of animation. Maureen Murdock has explained a new and more different structure for Heroine's Journey in his book titled 'Heroine's Journey', which has been published under title of 'Femininity Depth' in Iran and he has addressed female wishes, needs and concerns. This study has compared two models of hero's and heroine's journeys with an applied objective in order to reveal similarities and differences between Campbell's and Murdock's models under title of masculine and feminine theory in dramatic works. The methodology of this study is of qualitative type by means of comparative study; thus, in order to reveal differences and similarities between hero and heroine based on the proposed theories, 'Brave' and 'Spiderman' animations have been selected as case studies using purposive choice method and application of these patterns will be compared and explored and analyzed in both animations. The given finding suggests that hero's journey is done in linear or circular form while heroine's journey occurs in cyclic or spiral form inside and outside.

## **Keywords**

Myth, Hero's Journey, Heroine's Journey, Campbell, Murdock.